

## نام و موضع معرفتی حوزه تحقیقات ترجمه

نوشته: جیمز هولمز

ترجمه محمد رضا هاشمی

خلاصه مقاله: در چند دهه اخیر حوزه تحقیقاتی جدیدی با هدف حل مشکلات پیچیده ترجمه ایجاد شده است. مقاله زیر بحثی است درباره دو مانع عمده در راه پیشرفت این حوزه تحقیقاتی: الف) اختلاف نظر بر سر نامی مناسب برای این حوزه تحقیقاتی جدید، ب) اختلاف نظر بر سر تعریف و تحدید قلمرو این حوزه. نویسنده آنگاه فعالیت‌های تحقیقاتی را که در این حوزه صورت می‌گیرد، تحت دو عنوان کلی مطالعات نظری محض و مطالعات کاربردی تقسیم و روابط متقابل این دو نوع تحقیق را روشن می‌کند.

### ۱- ظهور حوزه جدید تحقیقات ترجمه

وقتی در حوزه‌ای از علوم مسأله جدیدی پیش می‌آید، محققانی از حوزه‌های علمی مرتبط با آن می‌کوشند با استفاده از اصول و روشهایی که تا آن زمان در حوزه تحقیقاتی آنان کاربرد داشته است، مسأله جدید را حل کنند. کوشش آنان به یکی از دو نتیجه زیر می‌انجامد: الف) مسأله در آن حوزه تحقیقاتی قابل تحلیل و تبیین است که در آن صورت این مسئله یا لاقبل بخشی از آن با استفاده از اصول و روشهای متداول آن حوزه حل می‌شود. ب) مسأله با اتکاء به اصول و روشهای آن حوزه تبیین و حل نمی‌شود. حالت دوم محققان علاقه‌مند به حل مسئله را به دو دسته تقسیم می‌کند: آنان که معتقد به حل مسأله در محدوده آن حوزه تحقیقاتی هستند و آنان که به

اصول و روشهای جدیدی برای حل مسأله می‌اندیشند. برخورد آرا میان دو دسته سبب می‌شود حوزه تحقیقاتی جدیدی به وجود آید که از طریق يك سلسله موضوعات مشترك با دیگر حوزه‌های تحقیقاتی ارتباط می‌یابد.

در مورد مسئله ترجمه به نظر می‌رسد راه حل دوام عملی باشد، هر چند بدون شك برخی از زبان‌شناسان با این نظر موافق نیستند. پس از قرن‌ها کار پراکنده و بی‌برنامه در مورد ترجمه به همت نویسندگان، لغت‌شناسان، و ادباء، از جنگ جهانی دوم به بعد علاقه به ترجمه در میان محققان روز به روز افزایش یافته است. همزمان با این، محققان بسیاری از شاخه‌های معرفتی مرتبط با ترجمه مانند زبان‌شناسی، فلسفه زبانی، ادبیات و نیز محققانی از برخی از شاخه‌های علوم که به نظر نمی‌رسد ارتباط چندانی با ترجمه داشته باشند - علم نظریه اطلاعات، منطق و ریاضیات - به تحقیق و اظهار نظر درباره ترجمه پرداخته‌اند.

وضعیت کنونی حوزه تحقیقات ترجمه به دلیل عدم توافق درباره تعریف، روشهای تحقیق و واژگان فنی ترجمه آشفته به نظر می‌رسد. حتی در مورد مسائل قابل طرح در این حوزه، نام آن و قلمرو و میزان استقلالش وحدت نظر وجود ندارد. با وجود این، و رای این آشفتگی ظاهری، حوزه تحقیقاتی مستقلی که موضوع آن ترجمه است در حال شکل‌گیری است. لازم است موانع موجود در مسیر پیشرفت این حوزه تحقیقاتی را بشناسیم و در رفع آنها بکوشیم.

## ۲- تعیین نام مناسب برای حوزه تحقیقات ترجمه

اولین مانع که در نظر اول ساده و کم اهمیت جلوه می‌کند، نامگذاری این حوزه جدید تحقیقاتی است. محققان انگلیسی زبان در تالیفات خود واژه ترجمه را با ضمائی از قبیل هنر، فن، اصول، مبانی و فلسفه همراه کرده‌اند. این گونه ترکیبات در فرانسه و آلمانی نیز وجود دارد. انتخاب عنوان گاه بیانگر موضع، روش و یا زمینه مطالعات قبلی محقق است و گاه تحت تأثیر شیوه متداول نامگذاری در يك زمان خاص. زمانی رسم بر این بود که عنوان حوزه‌های جدید معرفتی با پسوند ology - نامگذاری شود، زیرا این پسوند علمی بودن موضوع را به خواننده القا می‌کند. در زبان انگلیسی، راجر گفین Roger Goffin عنوان translatology (ترجمه شناسی) را پیشنهاد کرده است، اما چون این پسوند ریشه یونانی دارد، هواداران پالودن زبان از لغات یونانی موافق استفاده از آن نیستند. بخصوص از آن روی که بخش اول لغت translato نیز ریشه لاتینی دارد. لغات دیگری نیز پیشنهاد شده است که اگر چه در انگلیسی قابل فهم‌اند اما پذیرش عام ندارند translistics, translaticistics.

در سالهای اخیر از دو عنوان دیگر نیز استفاده می‌شود. یکی از این دو نظریه ترجمه translation theory است که معادلهای آن در زبانهای فرانسه و آلمانی نیز وجود دارد. اگر کلمه نظریه در این عنوان را به نظریه خاصی محدود ندانیم بلکه آن را در معنی عام به

مجموعه اصول و قواعدی که زیر بنای عمل تواند بود۔ در نظر بگیریم، این عنوان تاکنون و بخصوص در آینده عنوان سودمندی بوده و خواهد بود، زیرا در گذشته تحقیقات ارزشمند بسیاری در زمینه ترجمه صورت گرفته که در چارچوب نظریه خاصی نمی‌گنجد و ما هنوز هم به اینگونه تحقیقات نیازمندیم.

عنوان دیگر، علم ترجمه science of translation است که در آلمان پذیرش عام یافته است. در زبان فرانسه نیز عنوان علم ترجمه پذیرفته شده است. در زبانهای دیگر نیز عنوانهای مشابهی وجود دارد. یوجین نایدا اولین محقق انگلیسی زبان بود که در ۱۹۶۴ عنوان «به سوی علم ترجمه» را برای کتاب خود انتخاب کرد. البته نایدا عنوان فوق را برای اطلاق به بخشی از تحقیقات حوزه ترجمه یعنی فرآیند ترجمه انتخاب کرده بود نه برای نامیدن حوزه تحقیقات ترجمه. افراد دیگری که در اصل انگلیسی زبان هم نبوده‌اند، بی‌مهابا عنوان علم ترجمه را به کار برده‌اند.

من به نوبه خود از این نامگذاری متأسفم. استفاده از کلمه علم wissenschaft در زبان آلمانی برای اطلاق به حوزه تحقیقات ترجمه توجیه‌پذیر است، اما با معنایی که کلمه انگلیسی science به ذهن شونده می‌آورد نمی‌توان این حوزه جدید را علم نامید، همانگونه که هیچ يك از صاحب نظران مطالعات ادبی را به معنی دقیق کلمه علمی نمی‌داند و در مورد علمی بودن زبان‌شناسی به این معنی که روش و خصلت تجربی داشته باشد تردید می‌کنند. من با استفاده از لفظ علم در عنوان این حوزه مخالفم زیرا در این نامگذاری، ترجمه در ردیف ریاضیات، فیزیک، شیمی و زیست‌شناسی قرار می‌گیرد و نه جامعه‌شناسی، تاریخ، فلسفه و یا مطالعات ادبی.

در انگلیسی می‌توان از لغت مطالعات studies برای نامگذاری حوزه‌های معرفتی جدید که بر اساس طبقه‌بندی متداول دانشگاهی در مجموعه علوم انسانی یا هنر جای می‌گیرند استفاده کرد. البته استفاده از کلمه مطالعات مشکلات دیگری به همراه می‌آورد، از جمله اینکه نمی‌توان از این کلمه شکل وصفی ساخت. با وجود این، عنوان مطالعات ترجمه مناسبترین عنوان موجود در انگلیسی است و اطلاق آن به حوزه تحقیقاتی ترجمه بسیاری از آشفتگی‌ها و سوء تفاهمات را از بین می‌برد. در ادامه مقاله از این عنوان استفاده می‌کنم.

### ۳- انواع مطالعات ترجمه

#### ۳-۱- مطالعات محض ترجمه

اختلاف نظر در مورد قلمرو و موضع معرفتی مطالعات ترجمه مانع دیگری در راه پیشرفت این حوزه تحقیقاتی است. منظور از مطالعات ترجمه چیست؟ برخی مطالعات ترجمه را همان مطالعات تطبیقی (یا مقابله‌ای) و ژانرشناسی یا لغت‌نامه‌نویسی می‌دانند. برخی مطالعات ترجمه را با زبان‌شناسی تطبیقی یا مقابله‌ای مرتبط می‌دانند. بسیاری نیز مطالعات ترجمه را با نظریه ترجمه مترادف می‌شمارند. قلمرو مطالعات ترجمه با قلمرو دو حوزه اول تفاوت دارد، هر چند همیشه متمایز

از آنها نیست و قلمرو آن از قلمرو نظریه ترجمه نیز وسیع تر است. مطالعات ترجمه بر دو نوع است: مطالعات محض ترجمه *pure translation studies* و مطالعات کاربردی ترجمه *applied translation studies* مطالعات محض ترجمه به نوبه خود به دو نوع تقسیم می‌شود: مطالعات توصیفی ترجمه *descriptive translation studies* و مطالعات نظری (نظریه) ترجمه *theoretical translation studies (translation theory)*

### ۱-۱-۳ مطالعات توصیفی ترجمه

در مطالعات توصیفی ترجمه با توجه به تأکید محققان بر فرآیند ترجمه، متون ترجمه شده و نقش و تأثیر متون ترجمه شده، سه نوع تحقیق صورت می‌گیرد. مطالعات توصیفی ترجمه در مورد متون ترجمه شده به توصیف این گونه متون می‌پردازد. تا کنون بسیاری از تحقیقات انجام شده در حوزه تحقیقات ترجمه از این نوع بوده است. این گونه تحقیق با توصیف متن ترجمه شده خاصی آغاز می‌شود. مرحله بعد توصیف تطبیقی ترجمه است که طی آن ترجمه‌های متعدد آن متن در یک زبان یا چند زبان مختلف با یکدیگر مقایسه می‌شود. توصیف متن ترجمه شده یا توصیف تطبیقی آن مواد خام را برای تحقیقات بعدی در متون ترجمه شده متعلق به یک دوره خاص یا متعلق به یک زبان خاص و یا متعلق به نوعی خاص از متن *text or discourse type* فراهم می‌کند. در عمل هر متن ترجمه شده که برای توصیف انتخاب می‌شود با سه مشخصه فوق محدود می‌شود. برای مثال می‌گوئیم ترجمه متون ادبی انگلیسی به فرانسه در قرن هفدهم، یا ترجمه انگلیسی قرون وسطایی انجیل. مطالعات توصیفی ترجمه ممکن است هم همزمانی *diachronic* و هم در زمانی *synchronic* باشد و قلمرو وسیعتری را در بر گیرد. یکی از اهداف نهایی مطالعات توصیفی ترجمه - هر چند ممکن است در حال حاضر بلند پروازانه بنماید - تدوین تاریخ متون ترجمه شده است.

در نوع دوم مطالعات توصیفی ترجمه، محقق از آن روی به توصیف متن علاقمند است که می‌خواهد نقش متن ترجمه شده را در موقعیت اجتماعی - فرهنگی فرهنگ مقصد دریابد. در این نوع تحقیق، محقق بیشتر به بافت *context* متن ترجمه شده علاقمند است تا به خود متن ترجمه شده. او مایل است بداند در زمان و مکان معین چه متونی ترجمه شده‌اند و (از آن مهمتر، چه متونی ترجمه نشده‌اند) و چه تأثیری ایجاد کرده‌اند. این نوع مطالعه توصیفی ترجمه در مقایسه با نوع اول بهتر مورد توجه است و عموماً موضوعی متعلق به حوزه تاریخ ترجمه یا تاریخ ادبیات شمرده می‌شود. اهمیت دادن به این نوع تحقیق درباره ترجمه، باعث گسترش قلمرو جامعه‌شناسی ترجمه، یا به تعبیر دقیقتر، مطالعات جامعه‌شناسانه ترجمه می‌شود. (این نوع تحقیق میان جامعه‌شناسی و ترجمه مشترک است)

در نوع سوم مطالعات توصیفی ترجمه، محقق به توصیف عمل یا فرآیند ذهنی ترجمه می‌پردازد. محققان از دیرباز به کشف این نکته علاقه‌مند بوده‌اند که در جعبه سیاه ذهن مترجم، در

لحظه‌ای که عبارتی بیش و کم معادل اصل در زبان مقصد می‌آفریند، چه می‌گذرد، اما در این زمینه تحقیقات تجربی کمی صورت گرفته است. باید اذعان کرد که فرآیند ترجمه بسیار پیچیده است. یکی از محققان می‌گوید فرآیند ترجمه احتمالاً پیچیده‌ترین واقعه تاریخ تحول کهکشان ما است. روانشناسان برای توصیف دیگر فرآیندهای ذهنی روشهای بسیار متکاملی ابداع کرده‌اند. بنابراین می‌توان امید داشت که در آینده مسأله فرآیند ذهنی ترجمه نیز بیشتر مورد توجه واقع شود و بدین ترتیب روانشناسی ترجمه یا مطالعات روانشناسانه ترجمه نیز پا بگیرد.

## ۲-۱-۳ مطالعات نظری (نظریه) ترجمه

### ۱-۲-۱ نظریه جامع ترجمه

این نوع مطالعه آن گونه که از عنوانش بر می‌آید بر خلاف مطالعات توصیفی ترجمه هدف توصیفی ندارد، بلکه هدف آن استفاده از یافته‌های مطالعات توصیفی ترجمه و دانش بدست آمده از حوزه‌های مرتبط با حوزه مطالعات ترجمه در جهت ارائه نظریه ترجمه است. بدون شك هدف غایی نظریه پردازان ترجمه این است که نظریه جامع و مانعی ارائه دهند. این نظریه باید بتواند همه موضوعات دخیل در ترجمه را در بر گیرد و تبیین کند و موضوعات بی‌ارتباط به ترجمه را از قلمرو تحقیق حذف کند. بدیهی است اگر دستیابی به يك نظریه جامع ترجمه به معنی صحیح آن امکان داشته باشد، این نظریه الزاماً بسیار پیچیده و صوری خواهد بود. اغلب نظریه‌هایی که تا کنون وضع شده، در واقع مطالعاتی مقدماتی در جهت دستیابی به چنین نظریه جامعی است. تعدادی از این نظریه‌ها را در واقع نمی‌توان نظریه به معنای دقیق کلمه نامید. این نظریه‌ها مجموعه‌ای از اصول بدیهی، نظرات کلی و فرضیه‌هایی است که به نحوی جامع و مانع تنظیم شده‌اند، اما جامع و مانع بودن آنها خود مانعی در راه رسیدن به هدف است، زیرا آنچه‌انجام‌دهنده که برخی از فعالیت‌های خارج از قلمرو ترجمه را نیز در بر می‌گیرند، و آنقدر مانع و جزئی نگردند که حتی برخی فعالیت‌های مربوط به ترجمه را نیز شامل نمی‌شوند.

### ۲-۱-۲ نظریه‌های محدود ترجمه

نظریه‌های دیگری نیز وجود دارند که جامع نیستند، هر چند گاهی محققان عنوان جامع به آنها می‌دهند و یا از روی احتیاط آنها را با عبارت «به سوی نظریه ترجمه» بیان می‌کنند. در واقع این قبیل نظریه‌ها حوزه شمول محدودی دارند و به يك یا چند جنبه از نظریه جامع ترجمه می‌پردازند. تحقیقات انجام شده در سالهای اخیر بیشتر در این جهت بوده است و احتمالاً قبل از دستیابی به نظریه جامع ترجمه به معنای واقعی آن باید تحقیقات بیشتری در زمینه نظریه‌های محدود ترجمه انجام شود. به نظر من نظریه‌های محدود ترجمه را به شش دسته به شرح زیر می‌توان تقسیم کرد.

نظریه‌های نوع اول در مورد ترجمه‌هایی است که توسط مترجم یا ماشین ترجمه صورت می‌گیرد. این نظریه‌ها به نوبه خود به نظریه‌های ترجمه فردی، ترجمه ماشینی و ترجمه فردی-ماشینی (با استفاده از مترجم و ماشین) تقسیم می‌شوند. ترجمه فردی و نظریه‌های مربوط به آن به دو بخش ترجمه شفاهی و ترجمه مکتوب تقسیم می‌گردد. احتمالاً خوانندگان با نمونه‌های بسیاری از تحقیقات با ارزش در مورد ترجمه ماشینی یا ترجمه شفاهی آشنا هستند. علت اینکه از نظریه‌های ترجمه مکتوب آگاهی چندانی نداریم این است که نظریه پردازان نظرات خود را معمولاً در قالب نظریه‌های جامع بیان می‌کنند.

دسته دوم نظریه‌های محدود به زبان یا نظریه‌های محدود به فرهنگ می‌باشند. البته میزان محدودیت ممکن است متفاوت باشد. نظریه ارائه شده ممکن است محدود به یک زبان، یا یک فرهنگ و یا محدود به دو زبان و یا دو فرهنگ باشد. ارائه نظریه ترجمه محدود به دو زبان آلمانی و فرانسه (نظریه محدود به دو زبان) ساده‌تر از ارائه نظریه در مورد زبانهای اسلاوی (نظریه محدود به گروه زبانهای هم خانواده) یا زبانهای ژرمنی و ایتالیایی (نظریه محدود به دو گروه زبانهای غیر هم خانواده) می‌باشد. همچنین، نظریه ارائه شده ممکن است درباره ترجمه در محدوده فرهنگ سوئسی (نظریه محدود به یک فرهنگ) یا در محدوده دو فرهنگ سوئسی و بلژیکی (نظریه محدود به دو فرهنگ) باشد. نظریه‌های محدود به زبان وابستگی بسیار به تحقیقات زبانشناسی تطبیقی و سبک‌شناسی دارند. در مورد نظریه‌های محدود به فرهنگ مطالعات چندانی صورت نگرفته است. گاهی محدودیت‌های فرهنگی با محدودیت‌های زبانی اشتباه می‌شود و محدودیت‌های فرهنگی در نظریه‌های محدود به زبان بیان می‌شود. این گونه تلفیق بجز در موارد استثنایی که دو زبان و دو فرهنگ مبداء و مقصد بر هم منطبق می‌شود نادرست است. در واقع برخی از نظریه‌های به ظاهر جامع و کلی، نظریه‌های خاص و محدودی هستند و فقط در محدوده فرهنگ غرب اعتبار دارند.

دسته سوم نظریه‌هایی هستند که به متن (text) یا مقال (discourse) در کلیت آن نمی‌پردازند، بلکه به سطوح زبانی پائین‌تر محدود می‌شوند. مطالعات ترجمه در گذشته، بیشتر محدود به مطالعه در سطح کلمه بود. امروزه نیز مطالعات بسیاری در مورد واژه‌های علمی صورت می‌گیرد که در ترجمه‌های علمی و فنی مفید است. تا همین اواخر اغلب تحقیقات زبانشناسانه مربوط به ترجمه در محدوده جمله صورت می‌گرفت و محققان به مشکلات ترجمه در سطح بالاتر از جمله توجه نداشتند. امید بسیار می‌رود که تحول موجود از زبانشناسی مبتنی بر جمله به سوی زبانشناسی مبتنی بر متن، نظریه پردازان ترجمه را تشویق کند که از محدوده جمله فراتر روند و نظریه‌هایی در سطح متن ارائه دهند.

دسته چهارم نظریه‌هایی هستند که به تفکیک انواع متون می‌پردازند و مشکلاتی را که در ترجمه هر نوع از این متون وجود دارد بررسی می‌کنند. ادبا و نویسندگان از دیرباز علاقه‌مند به کشف مشکلات خاص ترجمه متون ادبی بوده‌اند. دانشمندان علوم دینی نیز مدت‌هاست که سرگرم

مطالعه در مسائل زبانی و فرهنگی مربوط به ترجمه کتب مقدس به سایر زبانها می‌باشند. در سالهای اخیر کوششهای بسیاری به منظور ارائه نظریه خاصی برای ترجمه متون علمی انجام شده است. اما این مطالعات توفیق چندانی به دنبال نداشته زیرا هنوز نظریه منسجمی درباره پیام message متن و یا انواع مثال عرضه نشده است. نظریه بوهرلر Bühler در مورد انواع ارتباط types of communication که بعدها ساختار گرایان مکتب پراگ و رومن یا کوبسون آنرا بسط دادند و نیز تعاریف زبان‌شناسان از گونه‌های زبان language varieties ملاکهای مفیدی برای تعریف انواع متون به دست دادند. این تعاریف از لحاظ کاربردی از تعاریفی که ادبا در گذشته از انواع متون ارائه می‌دادند مفیدتر است.

دسته پنجم نظریه‌هایی هستند که محدود به زمانند و به دو نوع تقسیم می‌شوند: نظریه‌های مربوط به ترجمه متون معاصر و نظریه‌های مربوط به ترجمه متونی متعلق به دوره‌ای در گذشته. در این مورد نیز محققان عموماً بر مبنای مشکلات ترجمه متون معاصر نظریه جامعی عرضه می‌کنند که آن را به متون متعلق به ادوار دیگر نیز تعمیم می‌دهند. در مورد نظریه‌های مربوط به ترجمه‌های متون قدیمی به زبان معاصر، بخصوص در میان نظریه‌پردازانی که تمایلات ادبی دارند، وحدت نظر وجود ندارد، و این قبیل مطالعات تا کنون نتایج چندانی به دنبال نداشته است.

سرانجام دسته ششم نظریه‌هایی هستند که به يك یا چند مسئله از مسایل نظریه جامع ترجمه محدود می‌شوند. این مسائل گاه بسیار کلی و اساسی است مانند میزان آزادی یا امانتداری در ترجمه و یا ماهیت معادل ترجمه‌ای translation equivalence و گاه بسیار جزئی و خاص است مانند ترجمه استعاره یا ترجمه اسامی خاص.

در اینجا ذکر این نکته بجاست که نظریه‌های ترجمه را می‌توان به طرق مختلف محدود کرد. برای مثال زبان‌شناسان مقابله‌ای علاقه‌مند به ترجمه، به احتمال زیاد نظریه‌هایی عرضه می‌کنند که به ترجمه در سطح جمله بین دو زبان معاصر مربوط می‌شود، یعنی این نظریه‌ها هم به زبان محدود است (نظریه‌های دسته دوم) و هم به زمان (نظریه‌های دسته پنجم) و سطح خاصی از زبان (نظریه‌های دسته سوم). محققان ادبی به اقتضای کار خود با متونی سروکار دارند که وابسته به سنت ادبی غرب است. محدودیتی که اینان دارند، به هیچ روی از ارزش نظریه‌های محدود آنها نمی‌کاهد، زیرا مطالعات آنها هر اندازه که محدود باشد - برای مثال مطالعه درباره نحوه ترجمه جملات تبعی subordinate clause رمانهای معاصر آلمانی به انگلیسی مکتوب - می‌تواند زیربنای مفیدی برای نظریه جامعی باشد که هدف بلند مدت محققان ترجمه است. در اینجا ذکر دو نکته ضروری است. اولاً نباید از اندیشه يك نظریه جامع ترجمه غافل باشیم. ثانیاً نباید تصور کنیم که مجموعه‌ای از نظریه‌های محدود می‌تواند جای يك نظریه جامع را بگیرد.

## ۲-۳ مطالعات کاربردی ترجمه

پس از مروری اجمالی بر دو شاخه عمده مطالعات محض ترجمه، اکنون به بررسی شاخه‌ای

از تحقیقات ترجمه می‌پردازیم که با مسائل عملی ترجمه سروکار دارد.

اولین کاربرد عملی مطالعات ترجمه که به ذهن می‌رسد آموزش ترجمه است. ترجمه به دو شکل با آموزش مربوط می‌شود و این دو شکل را باید از یکدیگر جدا کرد. در شکل اول، که قدمتی طولانی دارد، ترجمه به عنوان وسیله آموزش و ارزشیابی میزان فراگیری زبان خارجی به کار می‌رود. در شکل دوم، که پدیده‌ای نسبتاً جدید است، ترجمه با هدف پرورش مترجم حرفه‌ای در دانشگاهها تدریس می‌شود. در مورد پرورش مترجم، مسائل متعددی از قبیل «روش تدریس ترجمه»، «ارزشیابی» و «برنامه‌ریزی درسی» وجود دارد که نیازمند تحقیقات جداگانه‌ای است. بدیهی است که یکی از اهداف عمده مطالعات کاربردی ترجمه دستیابی به پاسخهای مناسب برای این پرسشهاست.

یکی دیگر از موارد کاربرد عملی مطالعات ترجمه تهیه موارد مورد نیاز برای پرورش و نیز برطرف کردن نیازهای مترجمان است. مواد مورد نیاز گوناگونند، اما می‌توان آنها را به دو دسته مواد لغوی و اصطلاحی و مواد دستوری تقسیم کرد. محققان سایر علوم مرتبط با ترجمه در هر دو زمینه کمک کرده‌اند، اما نباید کار آنان را مطالعات کاربردی ترجمه به شمار آورد، زیرا اولاً مطالعات لغوی انجام شده نیازهای مترجمان را بر آورده نمی‌کند، ثانیاً دستورهای مقابله‌ای تهیه شده به قصد آموزش زبان جانشین مناسبی برای دستورهای ترجمه که در آن تعیین معادل ترجمه‌ای اساس کار است نمی‌باشد. به نظر می‌رسد که محققان علاقه‌مند به مطالعات کاربردی ترجمه باید نیازهای خاص خود را دقیقاً مشخص کنند تا کمکهای ارائه شده در دو مورد فوق بتواند پاسخگوی نیازهای مترجمان و دانشجویان ترجمه باشد. بعلاوه محققان باید با کمک واژه‌شناسان و زبان‌شناسان مقابله‌ای کمکهای ارائه شده را غنی‌تر و کامل‌تر کنند.

سومین مورد کاربرد عملی مطالعات ترجمه تعیین خط مشی ترجمه است. محققان ترجمه موظفند با راهنماییهای آگاهانه خود، نقش و جایگاه مترجم، ترجمه و آثار ترجمه شده را در جامعه ترسیم کنند. برخی از وظایف محقق ترجمه در این زمینه عبارت است از: مشخص کردن آثاری که ترجمه آنها در يك مقطع اجتماعی- فرهنگی خاص ضرورت دارد، تحلیل وضعیت اجتماعی- اقتصادی مترجمان، آنگونه که هست و آنگونه که باید باشد، تعیین نقشی که ترجمه در آموزش زبان خارجی باید داشته باشد. در مورد اخیر نظر من این است که چون وظیفه مطالعات ترجمه این نیست که استفاده از ترجمه در موارد بی‌فایده را توصیه کند، تحقیق وسیع در مورد سودمند بودن ترجمه به عنوان ابزار تدریس و ارزشیابی زبان خارجی را باید در اولویت قرار داد.

چهارمین مورد کاربرد مطالعات ترجمه، که با سایر موارد کاملاً تفاوت دارد، استفاده از آن در نقد ترجمه است. تا کنون تحقیقات ناچیزی در این زمینه انجام شده و در بسیاری از کشورها از مطالعات نظری ترجمه برای بهبود نقد ترجمه هیچ استفاده نشده است. بدون تردید نقد ترجمه تا حدودی جنبه فردی دارد و مواضع شخصی و ترجیحات ذوقی منقد در آن بی‌تاثیر نیست، اما





ارتباط نزدیک میان محققان و منقدان ترجمه جنبه ذوقی و شخصی نقد ترجمه را به میزان زیادی کاهش خواهد داد.

در پایان ذکر دو نکته ضروری است:

نکته اول این است که در این مقاله، مطالعات توصیفی ترجمه، مطالعات نظری (نظریه) ترجمه و مطالعات کاربردی ترجمه را به عنوان سه بخش مجزاً مطرح کردیم. ممکن است چنین به نظر برسد که این ترتیب مبتین این است که ارتباط میان این سه بخش یکسویه است، یعنی مطالعات توصیفی ترجمه دانش اصلی مورد نیاز برای ارائه نظریه ترجمه را به دست می‌دهد و مطالعات توصیفی و مطالعات نظری ترجمه، دانش مورد نیاز برای مطالعات کاربردی ترجمه را تأمین می‌کند. واقعیت این است که این ارتباط دو سویه است، یعنی هر یک از بخشهای قلمرو ترجمه نمی‌تواند بدون دانش خاصی که در نتیجه مطالعات توصیفی و کاربردی ترجمه بدست آمده باشد پیشرفت کند. از سوی دیگر، تحقیق در مطالعات توصیفی و کاربردی ترجمه نیز جز در مواردی که بر نظریه خاصی به عنوان نقطه شروع کار استوار باشد موفق نخواهد بود. با توجه به این ارتباط متقابل رشد و شکوفایی ترجمه نیازمند توجه به هر سه بخش قلمرو ترجمه است، هر چند ممکن است در زمانی خاص توجه به یکی از این سه بخش ضروری تر باشد.

نکته دوم این است که هر یک از بخشهای مطالعات ترجمه دو جنبه دیگر نیز دارد که ذکر نشد: جنبه تاریخی و جنبه روش‌شناسانه. این دو جنبه به بررسی خود مطالعات ترجمه مربوط می‌شود. تاریخ مطالعات نظریه ترجمه قلمرویی است که تحقیقات ارجمندی در آن صورت گرفته است، اما تاریخ مطالعات توصیفی و تاریخ مطالعات کاربردی ترجمه (که بیشتر به بررسی تاریخ آموزش ترجمه و پرورش مترجم می‌پردازد) هنوز قلمروهای بکر هستند. در جنبه روش‌شناسانه، هدف بررسی این مسئله است که برای تحقیق در بخشهای مختلف قلمرو ترجمه کدام روش مناسب‌تر است. برای مثال اعتبار نظریه‌های ترجمه را چگونه می‌توان افزایش داد و یا برای دستیابی به عینی‌ترین و مؤثرترین نتایج توصیفی از چه روشهای تحلیلی می‌توان استفاده کرد. جنبه روش‌شناسانه، موضوعات اساسی مانند این پرسش را که قلمرو ترجمه شامل چه بخش‌هایی می‌شود نیز در بر میگیرد.

در این مقاله به جنبه اول اشاراتی مختصر کردم. اما هدف من بیشتر تبیین جنبه دوم بود. بدیهی است که نمی‌توان انتظار داشت همه محققان با آنچه گفته شد موافق باشند. مطالعات ترجمه اکنون به مرحله‌ای رسیده است که بحث روش‌شناسی ترجمه ضروری به نظر می‌رسد و این مقاله کوششی مختصر در این راستاست.